

# روایت مفصّل از قرائت

## عاصم



پروین بهارزاده

## و دلایله ترجیح آن

مقدمه

«قرائت»، یعنی وجهی از وجوه احتمالی نصّ قرآن، اصطلاحی است قدیمی که بازگشت آن به عهد صحابه پیامبر ﷺ می‌رسد. لذا «علم قرائت» نیز از قدیمی‌ترین علوم اسلامی بود و دارای منزلتی بس عظیم. چرا که اولین آموزش صحابه از علوم دین، حفظ قرآن و قرائت آن بوده است. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، گروهی از اصحاب به جمع آوری قرآن در مصحف‌هایی دست زدند، از جمله: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل و مقداد بن اسود. این افراد در مواردی، درباره ضبط نصّی از قرآن و یا چگونگی قرائت آن، با یکدیگر اختلاف داشتند و از اینجا مصحف‌های صحابه با یکدیگر اختلاف پیدا کردند و مردم هر منطقه از مناطق جهان اسلام، قرآن را بر حسب مصحف آن صحابی که نزد آنان بسر می‌برد، قرائت می‌کردند. مردم کوفه، قرائت «ابن مسعود» و اهل بصره قرائت «ابوموسی اشعری» و مردم شام قرائت «ابی بن کعب» را پذیرفته بودند و دیگر مناطق نیز به همین نحو از قرائت یکی از صحابه تبعیت می‌کردند. پس از آنکه در قرائت قرآن و ضبط الفاظ آن میان مردم اختلاف رخ داد، ضرورت

وجود علمی احساس شد که بتوان، به کمک آن، صحیح متواتر را از شاذ نادر تمیز داد. بدین ترتیب از اختلاف میان اهل قرآن کاسته شد و کلمات قرآن از دستبرد تحریف در امان ماند.

### معنی اصطلاحی «قراءات»

«قراءات»، جمع «قرائت» است و ساختمان جمعی این کلمه حاکی از تنوع و اختلاف انواع است. بدرالدین زرکشی در تعریف قراءات چنین آورده است:

«قراءات عبارت از اختلاف مربوط به «الفاظ» و «عبارات» وحی است که این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها - از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن - از سوی قراء نقل شده است.<sup>۱</sup>

اما دمیاطی، برخلاف زرکشی، قراءات را منحصر در واژه ها و الفاظ اختلافی تعریف نمی کند، بلکه اظهار می دارد که:

«قراءات» عبارت است از: علمی که از رهگذر آن، اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا - درباره حذف و اثبات، متحرک خواندن و سکون، فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آنها از قبیل: کیفیت تلفظ و ابدال و غیره - از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی باشد.<sup>۲</sup>

ابن الجزری نیز مانند دمیاطی، سماع را در تعریف قراءات گنجانده و می گوید:

«قراءات، عبارت از علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت، می باشد. اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.<sup>۳</sup>

حاصل آنکه: مقصود از «قرائت» تلقی قرآن و اخذ ثقه از ثقه است که اسناد نهایتاً به رسول خدا ﷺ می رسد. به عبارت دیگر: «قرائت»، عبارت از تلفظ الفاظ قرآن کریم است به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا ﷺ تلفظ می کرد و یا در حضور ایشان خوانده می شد و آن حضرت آن تلفظ و خواندن را تأیید می کرد.

به دلیل آنکه مصاحف به تنهایی نمی توانست مأخذ قرائت باشد و حتی بعد از نشانه گذاری و اعراب و شکل نیز باز خط، وافی به القای صوتی صحیح برای قرائت نبود، لذا بدون معلم، طرز ادای غالب کلمات روشن نمی شد. از اینروست که قاریان زمان رسول اکرم ﷺ که مستقیماً قراءات قرآن را از آن حضرت اخذ کرده بودند، سعی می کردند معارف و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار دهند و بدین ترتیب گروهی از ایشان به

مقام استادی و تعلیم نایل شدند. گروهی از تابعین نیز، قرائت را از صحابه اخذ کرده و آن عده که در این امر بارز و برجسته شدند خود بر مَسند اقرء و تعلیم تکیه زدند و بدین منوال مردم برای آموزش قرائت قرآن از اطراف به سوی آنها آمده و در شهرهایی چون مدینه، مکه، بصره، کوفه و شام حلقه های قرائت قرآن برگرد استاد قرائت آن شهر تشکیل می شد. بنا به نقل ابن الجزری، قرآء قدیمی، هفت نفر یا ده نفر یا سیزده نفر بودند که در اعصار مختلف اولیه اسلامی شهرت زیادتری داشتند و دیگران از آنان اخذ قرائت می کردند.<sup>۴</sup>

### قرآء سبعه

پس از دوره صحابه و عصر تابعین، گروهی خاص در فن قرائت و کارایی در آن، از شهرت و معروفیت برخوردار شده و به عنوان افرادی متخصص و ماهر در امر قرائت شناخته شدند. از این میان هفت نفر سرآمد دیگران گشته و به «قرآء سبعه» شهرت یافتند.

اما علت اشتهار این هفت تن و حتی انحصار آنان چه بوده است؟

مکی بن ابوطالب می نویسد: «اگر کسی پرسد به چه دلیلی این قرآء هفتگانه درباره قرائت از شهرت برخوردار شدند تا آنجا که حتی قرآیی که پیش از آنها و برتر از آنان بودند تا این حد، معروفیت کسب نکردند؟ پاسخ این است که: رَویانی که قراءات را از اساتید قرائت روایت کرده اند، در دوره دوم و سوم از لحاظ شمار، فزونی داشته و دارای اختلاف بیشتری در امر قرائت بودند. در دوره چهارم، مردم بر آن شدند که در میان قراءاتی که با رسم الخط قرآن منطبق بوده است بر قراءاتی بسنده کنند که حفظ آنها آسان بوده و نیز قرائت بر طبق آنها قابل ضبط و شایسته انطباق با قواعد کلی عربی باشد، لذا در صدد جست و جو و یافتن پیشوایی در قرائت برآمدند که به وثاقت و امانت و حسن تدبیر و کمال، معروف بوده و از عمری طولانی و شهرتی درخور بهره مند باشد و نیز معاصران او، عدالت و وثاقتش را در روایات و قراءات و همچنین علم و آگاهی او را نسبت به آنچه قرائت کرده است، متفقاً مورد تأیید قرار داده باشند. به همین جهت مردم از هر سرزمینی امام و پیشوایی در قرائت گزین کردند که دارای چنان اوصافی باشد. اینان عبارت اند از:

- ابو عمرو بن علاء، از بصره.

- حمزه بن حبیب زیات و عاصم بن ابی النجود، از کوفه و حوالی آن.

- کسایی، از مردم عراق.

- ابن کثیر، از اهل مکه.

- ابن عامر، از اهل شام.

- نافع، از اهل مدینه.

اینان از زمره کسانی به شمار می روند که اوصاف پیشگفته را دارا بودند.<sup>۵</sup>

طبرسی نیز در انگیزه توافق و هماهنگی مردم درباره این قرآء و پیروی از آنان، به دو علت اشاره می کند: «۱- این قاریان علاوه بر اینکه از علم افزونتری نسبت به قرآء دیگر بهره مند بودند، عمده همت و فرصت خود را درباره قرائت مصروف داشته و بسیار در این امر سخت کوش بودند.

۲- قرائت این قرآء هم لفظاً و هم سماعاً از آغاز تا پایان قرآن کریم، به گونه مُسند به دست آمده است. علاوه بر اینکه عملاً نسبت به وجوه قرآن به پرکاری شهره بوده و با این وجوه عملاً در مقام اقراء سر و کار داشتند.»<sup>۶</sup>  
دمیاطی نیز در این باره می نویسد:

«پس از آنکه اختلاف مربوط به قراءات رو به ازدیاد گذاشت، مردم تصمیم گرفتند پیشوایان و قاریانی را انتخاب کنند که معروف به وثاقت و امانت در نقل و درک صحیح و کمال علم بوده و عمری را در قرائت و اقراء سپری ساختند.»<sup>۷</sup>

اما ابن مجاهد که خود اولین بار عنوان «قرآء سبعه» را گزین کرد، مطالبی را به عنوان انگیزه گزینش خویش بیان داشته است که به اختصار به آن اشاره می کنیم:  
«قاریان و حاملان کتاب خدا چهار دسته اند:

دسته اول: قاریان مُعرب. یعنی آگاه به وجوه اعراب و قراءات، آشنا به لغات و معانی کلام، بینا به عیوب و لغزش های قراءات، اهل نقد آثار و اخبار.

دسته دوم: قاریان فطری. یعنی قاریانی که همانند اعراب بادیه نشین، طبق لغت و زبان خود، قرائت و تکلم می کنند و کیفیت خواندن و مکالمه آنها فطری است، گرچه با قواعد هماهنگی داشته و اشتباه و لغزش در آن دیده نمی شود.

دسته سوم: حافظان قرآن. یعنی قاریانی که نه از اعراب و قواعد و ضوابط عربی آگاه بوده و نه از چیز دیگر. بلکه تنها قادرند آنچه را از دیگران فرا گرفته اند، اداء کنند.

دسته چهارم: بدعتگزاران. یعنی قاریانی که قرآن را از لحاظ اعراب، صحیح قرائت می کنند و به معانی آیات آشنا هستند و لغات قرآن را می شناسند، اما نسبت به قراءات

مختلف مردم و آثار و روایات درباره قراءات، فاقد علم هستند. لذا چه بسا آگاهی آنان به اعراب و دستور زبان عربی، آنان را وادارد که قرآن را به وجهی قرائت کنند که در زبان عربی جایز و با قواعد عربی منطبق بوده، لیکن هیچ یک از پیشینیان قرآن را به آن وجه نخوانده باشند.

و سرانجام می گوید:

«دسته اول همان پیشوایانی هستند که حفاظ قرآن کریم در هر سرزمینی از بلاد اسلامی به

آنها پناه برده و حل مشکل مربوط به قرائت را نزد آنان جست و جوی کنند.»<sup>۸</sup>

بنابراین انگیزه ابن مجاهد از این گزینش، پاسداری روش و راه و رسم قراءات قرآنی است. تا قراءات از طریق نقل و روایت مورد اعتماد به طریق نقل و روایت مشکوک منحرف نشود و یا از طریق نقل و روایت از رسول اکرم ﷺ، به طریق اجتهاد شخصی مایل نگردد.

الف: نَسَبِ قَرَاءِ سَبْعَةٍ

از میان قرآء هفتگانه، ۵ نفر به تحقیق ایرانی اند که عبارت اند از:

۱. نافع بن ابی نُعیم، از اهالی اصفهان.<sup>۹</sup>
۲. ابوعمر بن علاء، از مردم فارس و از قریه کازرون.<sup>۱۰</sup>
۳. حمزة بن حبیب زیات کوفی که از نظر دونیا، ایرانی است.<sup>۱۱</sup>
۴. کسائی، ابوالحسن علی بن حمزة بن عبدالله بن بهمن بن فیروز، از اهالی طوس یا ری.<sup>۱۲</sup>
۵. عبدالله بن کثیر مکی، از ایرانیانی بود که کسرای ایران او را با کشتی هایی که به یمن فرستاده بود برای فتح حبشه گسیل داشت.<sup>۱۳</sup>

در نتیجه تنها دو تن از قاریان احتمالاً غیر ایرانی هستند که عبارت اند از: ۱- عاصم بن ابی النجود ۲- عبدالله بن عامر یحصبی، قاری دمشق.

بنا به نظر ابوعمر ودانی، «عبدالله بن عامر» عرب است.<sup>۱۴</sup> لیکن ابن حجر معتقد است که وی از جمله کسانی است که نسبش مورد تردید است.<sup>۱۵</sup> حتی درباره عاصم نیز برخی معتقدند وی از اهواز ایران است.<sup>۱۶</sup>

ب: مذاهب قرآء سَبْعَةٍ

درباره مذاهب قرآء سَبْعَةٍ گفته شده که: «چهارتن از قرآء که عبارت اند از: «عاصم بن

ابی النجود، «ابوعمر وبن العلاء»، «حمزة بن حبيب» و «علی بن حمزه کسائی» شیعه اهل بیت علیهم السلام هستند و مذهب آنان ثابت و مورد قبول ارباب سیره است. «۱۷» یکی از این قاریان نیز از پیروان معاویه است. ابن جزری می گوید:

«ابن عامر از فسق و دروغ، پرهیزی نداشته است. وی از پیروان معاویه بوده و ادعای اخذ قرائت از کسانی را داشته که اصلاً آنان را ندیده و یا از کسانی مانند معاویه که اصولاً قاری نبوده اند، به همین دلیل سلیمان بن عبدالملک، مهاجر را مأمور کرد که وی را از امامت جامع دمشق برکنار کند و خود به جای او نماز بخواند.»<sup>۱۸</sup>

مذهب ۲ تن دیگر یعنی «ابن کثیر» و «نافع» پوشیده و نامعلوم است. «نافع» مدنی، احتمالاً مالکی مذهب بوده است.

شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب «نقض الفضائح علی تشیع عاصم و آنه کان مقتدی الشیعه» آورده است: «تشیع، آیین اکثر پیشوایان و استادان قرائت بوده است و اکثر قراء مکی و مدنی و کوفی و بصری، عدلیه و شیعی بوده اند نه مشبهه و خوارج و جبریه. و روایات آنان نیز منقول از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.»<sup>۱۹</sup>

### حوزه های قرائتی کوفه

اینک سیری کوتاه بر حوزه های قرائتی کوفه از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تا سال ۷۵ هجری خواهیم داشت، یعنی تا سالی که حوزه قرائتی کوفه تحت تصدی «عاصم بن ابی النجود» قرار گرفت.

چنانکه ذکر شد، سنگ زیربنای حوزه های قرائت قرآن توسط شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهاده شد. سپس با تأیید صلاحیت معلمی بعضی از صحابه از سوی پیامبر، حوزه قرائتی وی تشکیل می شد و زنجیره مراکز قرائت قرآن، به این ترتیب شکل گرفت.

#### الف: حوزه عبدالله بن مسعود

اولین مقری رسمی قرآن در کوفه که از طرف خلیفه دوم جهت اقراء اهل کوفه، مأمور شده بود، عبدالله بن مسعود بود.

وی اولین کس از صحابه است که آشکارا در مکه قرآن خواند و در این راه و به خاطر خدا، مورد آزار و اذیت قریش قرار گرفت. همین که او اسلام را پذیرفت،

پیامبر ﷺ وی را به خدمت گرفت و در بسیاری از کارهای پیامبر ﷺ، خدمتگزار ایشان بود، بدون مانع به خانه پیامبر ﷺ آمد و شد داشت، تا آنجا که برخی گمان کردند که او از اهل بیت پیامبر ﷺ است. وی در دو هجرت مسلمانان شرکت داشت. به سوی دو قبله نماز گزارد و در تمام جنگها با پیامبر ﷺ همراه بود. در بین صحابه، پس از علی ﷺ، از همه در حفظ قرآن کوشاتر بود و پیامبر استماع قرائت او را دوست می داشت. وی مدت ۲۰ سال با اشتیاق و علاقه مندی فراوان به کار اقراره ادامه داد و سرانجام در سال ۳۳ هجری در اثر ضربه ای که به امر عثمان به وی وارد آمد، درگذشت.

همه استادان قرائت کوفه، پس از وی دست پرورده اویند از جمله: «ابوعبدالرحمن سلّمی»، «زَرَبْن حَبِيش»، «علقمه بن قیس نخعی»، «اسودبن یزید نخعی» و «مسروق بن اجدع همدانی». ۲۰

ب: حوزه ابوعبدالرحمن سلّمی

ابوعبدالرحمن، عبدالله بن حبیب بن ربیع سلّمی، در حیات پیامبر ﷺ متولد شد. قرائت قرآن را از ابن مسعود فرا گرفت و بنا به نقل ذهبی قرائت خود را به علی ﷺ، زیدبن ثابت و اُبی بن کعب عرضه کرد.

پس از وفات عبدالله بن مسعود، ابوعبدالرحمن سلّمی، قاری کوفه شد. وی مدت ۴۰ سال در مسجد کوفه به مردم قرائت می آموخت، در ایام خلافت عثمان قاری بود تا اینکه در سال ۷۴ به هنگام حکومت «شَبْر» بر عراق یا به قولی اوایل حکومت حجاج، درگذشت.

ابوعبدالرحمن، فردی نابینا بود و گفته اند که حسنین ﷺ در نوجوانی قرائتشان را بر او عرضه کردند.

همزمان با سلّمی یکی دیگر از تابعین که حوزه قرائت پررونقی داشت و بعضی از شاگردان سلّمی نیز نزد او تلمذ داشتند. ابومریم، زَرَبْن حَبِيش بود.

ج: حوزه ابومریم زَرَبْن حَبِيش

«زَرَبْن حَبِيش»، مکتبی به «ابومریم» یا «ابومطرف»، دوران جاهلیت را درک کرده ولی پیامبر را ندیده بود. وی از بزرگان تابعین محسوب می شد و از افراد مورد وثوق امیرالمؤمنین علی ﷺ بود. قرائت قرآن را از علی ﷺ و ابن مسعود فرا گرفت. در عربیت از

همه برتر بود و ابن مسعود در این زمینه به او مراجعه می کرد. وی در سال ۸۳ هجری و در سن ۱۲۷ سالگی دار فانی را وداع گفت.

حوزه قرائت بزرگ و نامدار «ابوعبدالرحمن سلّمی» پس از وفات وی تحت تصدی ابوبکر «عاصم بن ابی النجود» قرار گرفت.

د: حوزه عاصم بن ابی النجود

ابوبکر عاصم بن ابی النجود بن بهدله، مولی بنی خزیمه (یا بنی جذیمه) ابن مالک بن نصر بن قعین.

نام پدر عاصم، «بهدله» بوده است (برخی نیز گفته اند که «بهدله» نام مادر اوست). وی در دوران امارت معاویه بن ابی سفیان به دنیا آمد. قرآن را بر ابوعبدالرحمن سلّمی و زربن حبیب و ابو عمرو شیبانی قرائت کرد. ۲۱

عاصم پس از وفات استادش ابوعبدالرحمن، قاری کوفه شد و همانند استادش، نابینا بود که غالباً یک نفر عصاکش داشت که او را جابه جا می کرد. ۲۲

وی می گوید: هیچ کس جز عبدالرحمن به من قرائت قرآن را نیاموخت و من هرگز از قرائت او تخطی نکردم. ۲۳

ابوعبدالرحمن نیز از حضرت علی علیه السلام قرائت آموخته و از قرائت ایشان تخطی نداشته است. بنابراین عاصم با یک واسطه راوی قرائت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

حوزه بزرگ قرائت عاصم، ۵۴ سال ادامه یافت. ابن جزری ۲۹ نفر از قرآء سده دوم هجری را که از عاصم روایت کرده اند، نام برده است. ۲۴ وی در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸ هـ. ق. درگذشت.

دلایل ترجیح قرائت عاصم بر سایر قرآء

الف: شخصیت علمی و دینی عاصم

عاصم از دیدگاه دانشمندان شیعی و نیز علماء اهل سنت، شخصیتی بارز و باتقوی و مورد اعتماد در مسأله قرائت بوده است و روی هم رفته، وی را جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید معرفی کرده و می گویند که در قرائت قرآن دارای صوتی خوش و دلنواز بوده است.

قاضی نورالله شوشتری و نیز سیدحسن صدر، به تشیّع عاصم تصریح دارند، به همین



جهت قاطبه دانشمندان شیعی، قرائت عاصم را فصیح‌ترین قراءات دانسته‌اند. چنانکه ابن جزری نیز در رده‌بندی قراءات قرآءِ سبعه، قرائت عاصم را «افصح القراءات» نامیده است.<sup>۲۵</sup>

اینک به برخی از آرا و نظرات بزرگان و اهل فن درباره «عاصم»، اشاره می‌کنیم که حاکی از وثاقت و ارجح و مقدار او در امر قرائت است.

ابن خلکان می‌گوید: عاصم در قرائت مورد توجه همگان و انگشت‌نما بود.<sup>۲۶</sup>

عبدالله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم درباره عاصم سؤال کردم. در پاسخ گفت، شخصیتی شایسته و فردی ثقه و مورد اعتماد است. سپس پرسیدم: کدام یک از قراءات نزد تو محبوب‌تر و دلچسب‌تر است؟ گفت قرائت اهل مدینه. گفتم: و بعد. گفت: قرائت عاصم. مردم کوفه قرائت عاصم را پذیرفته‌اند و من نیز آن را اختیار کرده‌ام.<sup>۲۷</sup>

ابن الجزری می‌نویسد: ابوزرعه و گروهی از محدثان، عاصم را توثیق کرده‌اند.<sup>۲۸</sup> مرحوم خوانساری نیز آورده است که:

«قرائت عاصم، قرائت متداول بین مسلمانان است و از این رو، قرائت او همه جا با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت‌های دیگر را با رنگ‌های دیگر می‌نویسند تا با قرائت عاصم اشتباه نشود.<sup>۲۹</sup>»

ابوبکر بن عیاش، راوی عاصم، رویدادی را از آخرین لحظات زندگی عاصم نقل کرده و می‌گوید: وارد بر عاصم شدم در حالی که ساعات پایان عمر خود را طی می‌کرد، شنیدم که آیه‌ای را به روش تحقیق و به صورتی که گویا آن را در نماز می‌خواند، قرائت می‌کرد و آیه این بود، «وَرُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (یونس/۳۰).

با توجه به اینکه هیچ‌یک از قرآء مانند عاصم از تأیید بیشترین دانشمندان برخوردار نبوده‌اند، برجستگی شخصیت و والایی مقام او در قرائت بر ما ثابت می‌گردد.

علاوه بر موقعیت علمی و فردی عاصم، یکی از عمده‌ترین دلایل ترجیح قرائت عاصم بر دیگر قرآء سبعه، اسناد قرائت اوست.

ب: اسناد قرائت عاصم

ابو محمد مکی بن ابیطالب می‌گوید: صحیح‌ترین قرائت‌ها از نظر سند، قرائت عاصم

و نافع است. ۳۰.

علم «اسناد» خصوصاً در زمینه قراءات و حدیث توجه دقیق و وافر علمای اسلامی را به خود جلب کرده است.

شهاب الدین قسطلانی در کتاب خود «ضوء القراءات القرآنیة»، اهمیت این علم را چنین بیان کرده است:

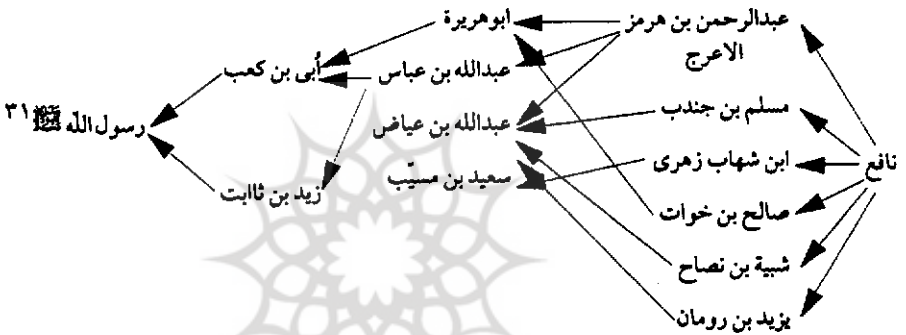
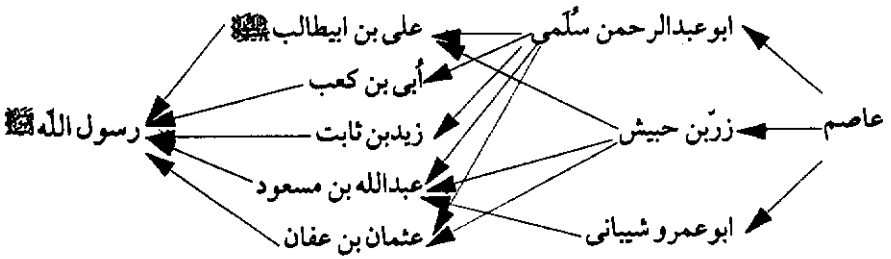
«علم اسناد، بزرگ‌ترین محور فن قرائت است. زیرا قراءات سنتی پیروی شده‌اند و صرفاً بر پایه نقل استوار است. لذا گزیری جز اثبات و صحت آن نیست. صحت و اثبات آن نیز جز از طریق اسناد ممکن نیست. از این روست که شناخت علم قرائت بر پایه درک اسناد بنا شده است.»

انواع اسناد چنانچه قسطلانی تقسیم کرده است عبارت‌اند از:

۱. اسناد صحیح: اسناد متصلی است که به نقل عدل ضابط، ثقة و متقن از مانند خود تا پایان سند، متکی باشد. بدون هیچ شذوذ و علت مضراً.
- منظور از اسناد متصل، این است که هیچ افتادگی و حذفی در میان راویان نباشد و هر یک از روای آن، قرائت را از شیخ و استاد خویش گرفته باشند.
۲. اسناد حسن: اسنادی است که مخرج آن معروف است به اینکه شامی، عراقی، مکی و یا کوفی است و رجال آن به عدالت و ضبط مشهور باشند، البته عدالت و ضبطی که حد وسط صحیح و ضعیف و نیز شاذ و معلل نباشد. یعنی علت و نقصی در آن پیدا نشود که صحت آن را خدشه دار کند گرچه در ظاهر از نقص مبرا است.
۳. اسناد ضعیف: اسنادی است که فاقد یکی از شروط پنجگانه اسناد صحیح باشد.

بدین ترتیب ۵ شرط برای اسناد صحیح در تعریف لحاظ شده است. «هوالمتمصل الاسناد بنقل عدل ضابط، ثقة، متقن عن مثله الی متناه، من غیر شذوذ ولا علة قادحة» عبارت از: ۱. اتصال سند ۲. نقل عدل ضابط ثقة ۳. از عدل ضابط ثقة ۴. وجود شروط ۲ و ۳ تا انتهای سند ۵. نبود شذوذ و علت.

اما اسناد قرائت عاصم و نافع که صحیح‌ترین سندها معرفی شده‌اند، به شرح نمودار ارائه شده است:



سند قرائت عاصم، سند عالی است و تنها با یک واسطه، به علی بن ابیطالب رضی الله عنه و از ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله منتهی می شود.

البته لازم به توضیح است که سند قرائت ابن عامر نیز از قلت و سایط بهره مند است ولی تنها با واسطه عثمان بن عفان به رسول خدا صلی الله علیه و آله منسوب شده است. علاوه بر آنکه با رجوع به شرح حال ابن عامر و بیانات ابن حجر و ابن الجزری درباره او، از اعتبار آن کاسته می شود. (ص ۷)

در توصیف مقام علمی و دینی عاصم، علاوه بر مطالب گذشته، ذکر این نکته نیز ضروری و قابل توجه است که: ابان بن تغلب قرآن را بر عاصم خوانده است. و وی اولین کسی است که در علم قرائت کتاب نگاشت. ابن الندیم در فهرست خود، ذیل شرح حال ابان، از کتب وی نام می برد و می گوید: «له من الکتب: کتاب معانی القرآن، لطیف، کتاب القراءات، کتاب من الاصول فی الروایة علی مذهب الشیعة». نجاشی نیز در ترجمه احوال

ابان از کتاب «القراءة» او یاد کرده است .

ابان بن تغلب در سال ۱۴۱ ، یعنی ۸۳ سال پیش از ابو عبیده قاسم بن سلام از دنیا رفته است . (ذهبی قاسم بن سلام را نخستین مدوّن قرائت می داند .)

### راویان عاصم

قرائت هر قاری را عده‌ای نقل می کنند که در اصطلاح اهل فن از آنها به «راوی» تعبیر می شود و از کسانی که روایت راوی را نقل می کنند به «طرق روایت» تعبیر می شود . پس «طریق» یعنی همان واسطه‌هایی که قرائت راوی را برای ما نقل کرده اند .

هر قاری چند روای دارد که از بین روایت او، دو روای از همه مشهورترند، به طوری که مشخصات این دو روای ضبط گردیده است .

به طور کلی هرگاه دو روای در یک مورد متفقاً وجه و یا وجوه مشابهی را از قاری نقل کنند، به آن وجه یا وجوه «قرائت قاری» گفته می شود . اما چنانچه دو روای، وجوه مختلفی را نقل کنند، در آن صورت به آن وجه یا وجوه «روایت راوی از قاری» گفته می شود .

از میان راویان عاصم نیز، دو نفر معروفیت دارند که عبارت اند از: ابوبکر، شعبه بن عیاش و حفص بن سلیمان .

#### الف: ابوبکر، شعبه بن عیاش

نام کامل وی، شعبه بن عیاش بن سالم اسدی نهشلی کوفی است و مکتبی به ابوبکر . پس از وفات عاصم (در سال ۱۲۷ هـ.ق)، ریاست حوزه قرائت، به ابوبکر شعبه بن عیاش رسید که آن زمان ۳۳ ساله بود و تا آخر عمرش (سال ۱۹۳)، یعنی حدود ۵۸ سال، فعال بود .

گفته اند که وی، سه بار قرآن را بر عاصم خواند . ابوبکر از پیشوایان اهل سنت بوده و حدود ۷ سال پیش از مرگش، سمت اقرا و بررسی قرائت دیگران را رها کرد .<sup>۳۲</sup> آنچه در میان آراء و نظرات اهل فن درباره ابوبکر به چشم می خورد، این است که غالباً وی را دارای حافظه‌ای قوی ندانسته اند، بلکه به وی نسبت لغزش و اشتباه و اضطراب داده اند .

مثلاً ابونعیم در طبقات القراء آورده است: در میان اساتید قرائت، هیچ کس بیش از

ابوبکر، گرفتار اشتباه نبوده است.

و نیز بزاز اسدی گفته است: وی حافظ و ضابط در حدیث نبوده است.

ابن ابی حاتم نیز می گوید: از پدرم درباره ابوبکر بن عیاش و ابی الأحوص سؤال کردم. گفت: ما آقربهما (صحت این دو را اقرار ندارم).

باری، نوشته اند که به هنگام مرگ ابوبکر، خواهرش می گریست، ابوبکر به وی گفت، چرا گریه می کنی؟ خواهرم! به آن زاویه بنگر که من در آن زاویه، هیجده هزار بار، قرآن را ختم کرده ام.

با علم به اینکه ابوبکر، ۹۸ یا ۹۹ سال عمر کرده است (یعنی ۹۵ تا ۱۹۳)، باید در هر ۲ روز یکبار قرآن را ختم کرده باشد و این امر با توجه به اینکه شغل شاغل وی قرائت بوده است چندان دور از ذهن نیست.

روایت شعبه از دو طریق نقل شده است:

۱. یحیی بن آدم که روایت او نیز از دو طریق ابوحمدون (م. ۲۴۰) و شعیب بن ایوب (م. ۲۶۱) وارد شده است. و در مجموع ۵۸ طریق ذکر شده است.

۲. یحیی العلیمی (م. ۲۴۳) که روایت او نیز با واسطه ابوبکر الواسطی (م. ۳۲۳) از دو طریق الرزاز که همان ابوعمرو عثمان بن احمد بن سمعان بغدادی (م. ۳۶۰) است و ابن خلیع که همان ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر بن خلیع (م. ۳۵۶) می باشد، وارد شده است. و در مجموع ۱۰ طریق برای او ذکر شده است.

و بدین ترتیب برای ابوبکر شعبه بن عیاش، ۷۶ طریق عنوان شده است. ۳۳

لازم به توضیح است که درباره نام ابوبکر بن عیاش، اختلاف نظر وجود دارد. نامهای: رؤبه، محمد، حماد، اشعث، مترّف، عبدالله، سالم، عترة، یحیی و ابوبکر برای او ذکر شده است. ولی صحیح ترن قول، شعبه است. ۳۴

از یزید بن مهران نیز روایت شده که گفت: به ابوبکر گفتم: اسمت چیست؟ گفت:

مادرم روزی که مرا به دنیا آورد، ابوبکر نامید. ۳۵

ب: حفص بن سلیمان

ابوعمرو، حفص بن سلیمان بن مغیره بزاز اسدی کوفی، مشهور به «حفص» بوده و او را ربیب عاصم (فرزند همسر او) می دانند.

چنان که نوشته اند؛ حفص، پنج آیه، پنج آیه، قرائت قرآن را از عاصم اخذ کرده بود،

همانند کودکی که قرآن را از استاد خود می آموزد.

وی از نظر سنی از ابوبکر بزرگ تر بود ولی در برابر شهرت و نفوذ او در کوفه جای عرض اندام نمی دید. مدتی در مکه و زمانی نیز در بغداد به اقراء نشست.  
روایت حفص، دقیق ترین روایات از عاصم شمرده شده است و ابن المنادی، مقری معروف می گوید:

«بارها بر عاصم قرآن را قرائت کرد و پیشینیان او را در حفظ از ابوبکر بالاتر می شناسند و او را به ضبط دقیق حرفی که بر عاصم قرائت می کرد، توصیف می کنند. ابوهشام رفاعی نیز می گوید «کان حفص اعلمهم بقراءة عاصم».<sup>۳۶</sup>

یحیی بن معین نیز روایت حفص را روایت صحیح از قرائت عاصم نامیده است.  
حفص، تشیع را از شیخ خود، عاصم گرفت و شیخ ابوجعفر طوسی وی را از اصحاب امام صادق علیه السلام بر شمرده است.

قرائتی را که عاصم به حفص آموخت، همان قرائتی است که از ابو عبدالرحمن سلمی آموخته و ابو عبدالرحمن نیز از علی علیه السلام فرا گرفته است.  
حفص برای همیشه، در بین قراء، مقامی رفیع و والا دارد، زیرا قرائت او تاکنون قرائت متعارف و متداول بین مسلمانان است و قرائت عامه، بر مبنای قرائت اوست.  
حفص پس از گذراندن ۹۰ سال عمر پربرکت، در سال ۱۸۰ هـ. ق. درگذشت.

### طرق حفص

۱. عیبد بن الصباح (م. ۲۳۵) که روایت او نیز به واسطه ابوالعباس، احمد بن سهل بن الفیروزانی الاشنانی (م. ۳۰۷)، از دو طریق طاهر عبدالواحد بن ابی هاشم البغدادی و ابوالحسن الهاشمی البصری (م. ۳۶۸) وارد شده است.
  ۲. عمرو بن الصباح (م. ۲۲۱) که روایت او از دو طریق ابوالحسن زرکان البغدادی (م. ۲۹۰) و ابوجعفر احمد بن محمد بن حمید الفیل البغدادی (م. ۲۸۹) وارد شده است.
- در مجموع ۵۲ طریق برای روایت حفص از قرائت عاصم، ذکر شده است که با احتساب ۷۶ طریق روایت شعبه، طرق روایت از عاصم به ۱۲۸ طریق می رسد.<sup>۳۷</sup>

ج: تفاوت «حفص» و «ابوبکر» در روایت

ابوبکر، شعبه بن عیاش، علاوه بر آنچه از استادش عاصم آموخته بود، اتفاق قراءات

حجاز، بصره و شام را نیز مدنظر داشته و بنای قرائت خود را بر موارد اتفاق قراءات مزبور نهاده است.

دیدگاه‌های لغوی و نحوی در روایت ابوبکر، همواره حضور خود را نشان می‌دهند، گاه به صورت تغییر صیغه باب افعال و در بسیاری موارد به صورت تغییر صیغه فعل از خطاب به غیبت، از غیبت به متکلم، از معلوم به مجهول و برعکس جلوه می‌کند.

بررسی کلی، حاکی از این است که اختلاف روایت حفص و شعبه از عاصم به ۵۲۰ مورد می‌رسد.<sup>۳۸</sup> و این در حالی است که حفص خود می‌گوید: قرائت عاصم که همان قرائت علی رضی الله عنه است را بدون کم و زیاد اقرآء می‌کند.

به عبارت دیگر حفص برخلاف ابوبکر که داعیه اختیار در قرائت داشت، اصرار داشته است که قرائت عاصم را بدون هیچ دستبندی اقرآء کند.

#### د: ترجیح روایت «حفص»

در غایه‌النهاییه آمده است: روایت حفص از عاصم، همان قرائت عامه است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت ایشان تاکنون به عنوان متن قرآن شناخته شده و قراءات مختلف با آن سنجیده شده‌اند.<sup>۳۹</sup> ابوشامه نیز می‌گوید:

روایت حفص از جهات لغوی، نحوی، بلاغی و تفسیری بر دیگر قراءات حتی روایت ابوبکر از عاصم، مرجح است.

از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که ۲ عامل، دلیل ترجیح قرائت عاصم بر قرآء دیگر بوده است: ۱. خصوصیات و خصایل ممتاز علمی و دینی عاصم ۲. اسناد قرائت.

این دو عامل در ترجیح روایت حفص بر روایت شعبه از عاصم، قابل پیگیری و اثبات است.

چنانکه ذکر شد، شخصیت علمی حفص بر ابوبکر مرجح است چرا که غالباً او را اضبط از ابوبکر دانسته و روایت او را دقیق‌ترین روایات دانسته‌اند و نیز همان‌طور که ذکر شد حفص در قرائت، داعیه اختیار نداشته است و تنها آنچه را از استاد و شیخش تلقی کرده است، عیناً قرائت می‌کرده است برخلاف ابوبکر.<sup>۴۰</sup>

به این ترتیب، در تمام دوره‌های تاریخ، قرائت عاصم به روایت حفص، قرائتی بوده

که بر همه قرائتها، ترجیح داشته و بین عامه مسلمانان رواج داشته و همگان بدان توجه داشته اند.

علاوه بر دو دلیل بالا، به علت سوئی نیز در ترجیح قرائت حفص می توان اشاره کرد و آن اینکه:

۳. عاصم، اختصاصاً اسناد طلایی و عالی قرائت خود را به حفص منتقل کرده و این فضیلت بزرگی است که حفص در بین دیگر قرآء بدان ممتاز است و این، آن چیزی است که صلاحیتی را برای حفص به وجود آورده که همه مسلمانان به او روی آورند و تنها قرائت او را بپذیرند.

حفص می گوید: عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم، همان قرائتی است که از ابو عبدالرحمن سلمی آخذ کردم و او عیناً از علی رضی الله عنه فرا گرفته است و قرائتی را که به ابوبکر بن عیاش آموختم، قرائتی است که بر زربن حبیش عرضه کردم و او از ابن مسعود اخذ کرده بود.

### روایت حفص از عاصم = روایت ناب شیعی

وقتی تاریخ قرآن مجید و دوره هایی را که نسل بعد از نسل به قرآن گذشته، بررسی می کنیم، درمی یابیم که نص کنونی قرآن، با وضع موجود، اساساً حاصل تلاشهای شیعه است. در حقیقت اگر قرآنی وجود داشته باشد که بتوان آن را «مصحف شیعی» نامید، همین مصحف موجود است که باید با توجه به نقش ائمه شیعه و قرآء و حفاظ و هنرمندان شیعه در طول تاریخ نسبت به مصحف، آن را به شیعه منسوب کرد.

\* حضرت علی رضی الله عنه، اولین کسی است که فکر جمع آوری قرآن را پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اظهار کرد. هر چند که قرآنی را که وی جمع آوری کرد، رد کردند.

\* مصحف های مهمی که در آن زمان و قبل از توحید مصاحف، تهیه شد و قرآن در آنها جمع آوری شد، عبارت بودند از: مصحف عبدالله بن مسعود، مصحف اُبی بن کعب، مصحف ابوالدرداء و مصحف مقداد بن اسود که به ولاء خاص، نسبت به بیت والای نبوت، شناخته شده اند. دیگر مصحفها از اعتبار این مصاحف برخوردار نبودند و صحف ابوبکر نیز بین دو جلد منظم نشده بود.

\* اول کسی که توحید مصحف ها را در عهد عثمان مطرح کرد، «حذیفه بن الیمان» از



اصحاب حضرت علی رضی الله عنه بود.

\* متصدی املاء قرآن برای کمیته استنساخ مصحف های یگانه، «أبی بن کعب» بود.

\* شکل گذاری و نقط و اعجام مصحف، به دست «ابوالاسود دؤلی» و دو شاگرد او «نصر بن عاصم» و «یحیی بن یعمر» انجام گرفت.

\* اول کسی که در تحسین کتابت مصحف و تجوید خط آن، اقدام کرد، «خالد بن

ابی الهیاج» از اصحاب علی رضی الله عنه بود.

\* ضبط حرکات به شکل کنونی، کار استاد بزرگ «خلیل بن احمد الفراهیدی» است و او اولین کسی است که همزه، تشدید، روم و اشمام را وضع کرد.

\* اگر نگوییم شش تن، دست کم چهارتن از قرآء سبعة، شیعه بودند. علاوه بر آنکه

گروهی از ائمه قرآء بزرگ، از شیعیان به شمار می آیند، از جمله: ابن مسعود، ابی بن کعب، ابوالدرداء مقداد، ابن عباس، ابوالاسود علقمه، ابن السائب، سلمی، زرین حبیش، سعید بن جبیر، نصر بن عاصم، یحیی بن یعمر، عاصم بن ابی النجود، حمران بن اعین، ابان بن تغلب، اعمش، ابو عمرو بن العلاء، حمزه، کسائی، حفص بن سلیمان و امثال ایشان.

\* قرائت کنونی که قرائت حفص است، یک قرائت شیعی ناب و خالص است.

حفص ← عاصم ← سلمی ← علی بن ابیطالب رضی الله عنه ← رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در سال ۱۳۴۲ هـ. ق (= ۱۹۲۳ م.)، قرآن فقط بر طبق روایت حفص از قرائت عاصم و

تحت نظر اساتید الازهر و تأیید کمیته ای که از سوی ملک فؤاد اول تعیین گردید، در قاهره به چاپ رسید. اعضای این کمیته عبارت بودند از: شیخ محمد علی نجار (استاد دانشکده زبان و ادبیات عرب)، شیخ عبدالحلیم بسیوفی (مدیر دفتر رییس جامع الازهر) و شیخ علی محمد ضیاع (استاد مقررین مصری).

کمیته یاد شده همه آن مطالبی را که در چاپ کمیته قبلی نیاز به ترمیم داشت

جبران کردند. در شناسنامه متن قرآنی که در قاهره با اجازه بزرگان علمی جامع الازهر، در سال ۱۳۸۵، به همراه تفسیر علامه سید عبدالله شبر چاپ شده است، چنین آمده است:

«بحمدالله وحسن توفیقه تمّ طبع هذا المصحف الشريف باذن مشايخه الجامع الازهر

باشراف مراقبة البحوث الاسلامية بعد مراجعة لجنة المصاحف بالأزهر.

... کُتِبَ هذا المصحف وضبط على ما يوافق رواية حفص بن سليمان بن المغيرة الاسدي الكوفي لقراءة عاصم بن ابي النجود الكوفي التابعي عن ابي عبدالرحمن عبدالله بن حبيب السلمي عن عثمان بن عفان وعلى بن ابي طالب وزيد بن ثابت وأبي بن كعب عن النبي صلى الله عليه وسلم ...»

سرانجام جهان اسلام این مصحف را تلقی به قبول کردند و ملیونها نسخه در سال از این قرآن به چاپ رسید که به صورت مصحف منحصر به فرد در میان مسلمین درآمد و میان آنها متداول شد، چرا که دانشمندان شرق و غرب بلاد اسلامی، با اتفاق نظر و دقت کامل، رسم الخط و کتابت این مصحف را گواهی و تصدیق کرده بودند. ۴۱

### اشترک «حفص»

عنوان «حفص» بین دو راوی مشترک است:

- ۱- حفص بن عمر، مکنی به ابوعمر ملقب به «دوری». متوفی سال ۲۴۶ و راوی قرائت ابو عمرو بن العلاء است.
- ۲- حفص بن سلیمان، مکنی به ابو عمرو متوفی به سال ۱۸۰ و راوی قرائت عاصم است.

### ضعف «حفص» و «عاصم» در حدیث

درباره «حفص» اظهاراتی نیز وجود دارد که حاکی از جرح اوست. چنانچه درباره عاصم نیز چنین است. به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می شود:

ابن سعد: کان (عاصم) ثقة الا انه کان کثیر الخطأ فی حدیثه.

الدارقطنی: فی حفظه شیء.

عقیلی: لم یکن فیہ الا سوء الحفظ.

نسائی: لیس بحافظ.

ذهبی: فاما فی القراءة فثبت امام واما فی الحدیث فحسن الحدیث.

و در مورد حفص آمده است:

ابن ابی حاتم از عبدالله از پدرش: (حفص) متروک الحدیث.

ابن المدینی: ضعیف الحدیث و ترکته عمداً.

مسلم: متروک.

نجاری: ترکوه.

نسائی: لیس بثقة ولا یکتب حدیثه. و در جای دیگر: متروک الحدیث.

ابوزرعه: (حفص) ضعیف الحدیث.

ابن الجوزی در «الموضوعات» از عبدالرحمن بن مهدی می گوید: واللّٰه ماتحلّ<sup>۳</sup> الروایة عنه.

این عبارات را در کنار عباراتی دیگر قرار می دهیم که حاکی از وثاقت و قوّت علمی عاصم و حفص بوده و به پاره ای از آنان نیز اشاره شد. از جمله:

ابن المنادی می گوید: کان الاولون یعدونه (حفص) فی الحفظ فوق ابی بکر بن عیاش ویصفونه بضبط الحروف التي قرأها علی عاصم وقرأ الناس دهرأ.

یحیی بن معین (نقاد بزرگ) می نویسد: الروایة الصحیحة التي رویت عن قراءة عاصم روایة ابی عمرو حفص بن سلیمان و ... جز اینها.

در اینجا سؤالی جدی مطرح می شود و آن اینکه: چگونه یک فرد، در حدیث ثقه نیست، لکن در قرائت مورد اعتماد؟ مگر نه اینکه قرائت، سنتی متبع است و تنها بر پایه حفظ، ضبط و وثاقت متکی است؟ مگر نه این است که قرائت صحیح، قرائتی است با اسناد صحیح، یعنی نقل متصل ثقه از ثقه؟

چه عاملی سبب می شود که وثاقت و قدرت حافظه فردی در روایت قرائت، همه پذیر و جهان گیر باشد لیکن در حدیث غیر قابل اعتماد و غیر موثق؟

پاسخی که به ذهن نگارنده می رسد این است که به احتمال قوی، آنچه موجب جرح حفص و عاصم در حدیث شده است، مذهب و اعتقاد ایشان بوده است. به عبارت دیگر، شیعه بودن تنها جرم ایشان است که موجب ترك حدیث آنان شده است. و این مطلب تازه و بی سابقه ای نیست.

از این رو، سخنانی که موجب جرح عاصم و یا حفص می شود، فاقد اعتبار علمی بوده و نمی تواند به مقام و موقع ایشان کمترین خدشه ای وارد ساخته و قرائت آنان را از اعتبار ساقط کند. واللّٰه اعلم

١. بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق ابوالفضل ابراهیمی، مصر، ١٩٥٧م، ٣٨/١.
٢. احمد دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربع عشر، تصحیح علی محمد ضیاع، قاهر، ١٣٤٥، ص ٥.
٣. ابن الجزری، منجد المقرئین، قاهره، ١٣٥٠، ص ٣.
٤. سید ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، نجف، ١٣٨٥ هـ. ق، ص ١٧٧.
٥. عبدالهادی فضلی، تاریخ قراءات قرآن کریم، ترجمه دکتر سیدمحمدباقر حجتی، تهران ١٣٦٥ هـ. ش، ص ٤٨.
٦. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، ١٤٠٨ هـ. ق، ٢٥/١.
٧. اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربع عشر، پیشگفته، ص ٥.
٨. ابن مجاهد، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق دکتر شوقی ضیف، قاهره ١٩٧٢م، ١/٣٩١.
٩. ابن الندیم، فهرست، ص ٤٢.
١٠. محمد الجزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، قاهره، ١٣٥١ هـ. ق، ٢٨٨/١.
١١. دکتر سیدمحمدباقر حجتی، تاریخ قرآن کریم، تهران ١٣٧٢ هـ. ش، ص ٣٢٨.
١٢. غایة النهایة فی طبقات القراء، پیشگفته، ٢٧٤/١.
١٣. البیان فی تفسیر القرآن، پیشگفته، ص ٩٤.
١٤. عثمان بن سعید الدانی، التفسیر فی القراءات السبع، استانبول، ١٩٣٠م، ص ٦.
١٥. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، هند، ١٣٢٥ هـ. ق، ٥/٢٧٤.
١٦. عبدالوهاب حموده، القراءات واللهجات، قاهره، ١٣٦٨، ص ٢١٨.
١٧. سیدحسن صدر، تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام، بغداد، ١٩٥١م، ص ٣٤٦.
١٨. محمدعلی لسانی، قرآء سبعه و گزارش و بررسی قراءات ایشان، پایان نامه دکتری، ١٣٧٢، دانشگاه تهران.
١٩. تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام، پیشگفته، ص ٣٤٦.
٢٠. قرآء سبعه و گزارش و بررسی قراءات ایشان، پیشگفته.
٢١. البیان فی تفسیر القرآن، ص ٩٥.

۲۲. احمدبن محمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵/ ۲۵۶.
۲۳. غایة النهایة فی طبقات القراء، پیشگفته، ۱/ ۳۴۸؛ احمدبن ابی عمر اندرابی، و قراءات القراء المعروفین بروایات الرواة المشهورین، بیروت ۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۱۰۸.
۲۴. حافظ ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار، تحقیق سیدجواد الحق، بی تا، ۱/ صص ۷۶-۷۳؛ غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱/ صص ۳۴۸-۳۴۶.
۲۵. غایة النهایة، ۱/ ۷۵.
۲۶. ابن خلکان، وفيات الأعیان واتباع ابناء الزمان، قم، ۱۳۶۴ هـ. ق، ۳/ ۹.
۲۷. تهذیب التهذیب، ۵/ ۳۹.
۲۸. غایة النهایة، ۱/ ۳۴۸.
۲۹. سیدمحمدباقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ایران، ۱۳۴۱ هـ. ق، ۴/ ۵.
۳۰. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، ۱۳۷۰، ۱/ ۲۲۵.
۳۱. دکتر احمد مختار عمر، معجم القراءات القرآنیة، تحقیق دکتر عبدالعال سالم مکرم ایران، ۱۴۲۰ هـ. ق، ۱/ صص ۸۷-۸۱.
۳۲. تهذیب التهذیب، ۱۲/ ۳۵.
۳۳. محمد الجزری، النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضیاع، بیروت، بی تا. ۱/ ۱۵۲.
۳۴. غایة النهایة، ۱/ ۳۲۶.
۳۵. قراءات القراء المعروفین ...، ص ۹۷.
۳۶. معرفة القراء، ۱/ ۱۱۶؛ غایة النهایة ۱/ ۲۵۴؛ النشر، ۱/ ۱۵۶.
۳۷. النشر ...، ۱/ ۱۵۵.
۳۸. معرفة القراء، ۱/ ۸۷.
۳۹. همان، ۱/ ۲۵۴.
۴۰. علی بن قاصع بغدادی، سراج القاری المبتدی وتذکار القاری المنتهی، قاهره، ۱۳۷۳، ص ۱۴.
۴۱. احمد محمد زینحار، السبیل الی ضبط کلمات التنزیل، قاهره، ۱۳۷۳، ص ۵۸؛ دکتر صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، ۱۹۶۹ م، ص ۱۰۰.